

سیره مدارایی اهل بیت علیهم‌السلام با گروه‌های مذهبی

علی آفانوری*

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و به‌ناچار در همه عرصه‌های زندگی جمعیتی خود، نیازمند تعامل با دیگران است. از دیگر سو، کسی را نمی‌توان یافت که در تمام ویژگی‌ها - از پیش‌ها و گرایش‌ها و سلیقه گرفته تا سلوک فکری و اخلاقی - با دیگری یکسان باشد. از این رو، انسان‌ها برای برخورداری از یک زندگی سالم و تداوم حیات اجتماعی خویش، چاره‌ای جز مدارا با یکدیگر و به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و اختلاف‌ها ندارند.

روشن است که این اصل انسانی، از سوی شرایع الهی، به‌ویژه اسلام نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و مصادیق و جلوه‌های عالی این سلوک اخلاقی و رفتار پسندیده اجتماعی را در سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام فراوان می‌توان سراغ گرفت تا آنجا که در روایات، اموری چون جلب محبت هم‌نوعان، بهانه‌ندادن به دست دشمنان، جذب مخالفان و حفظ روابط سالم اجتماعی، از فواید این روش برشمرده شده است. بنابراین می‌توان گفت که آن بزرگان بر ضرورت بروز این خوی پسندیده، در همه رفتارهای فردی و اجتماعی و عرصه‌های فکری، اخلاقی و حقوقی تأکید فراوان داشته‌اند. سفارش‌های ائمه در باب معاشرت نیکو با هم‌نوعان و نیز اهتمام عملی آنان به حفظ و تحکیم اخوت دینی و مهم‌تر از همه، شیوه برخورد امام علی علیه‌السلام با مخالفان و دشمنان خود؛ چه در دوره خانه‌نشینی بیست و پنج‌ساله و چه در دوران خلافت، همگی تعبیرها و جلوه‌های گوناگونی از این اصل عام اخلاقی،

* دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه و دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

تربیتی و حقوقی - به‌ویژه در مواجهه با مخالفان سیاسی و مذهبی - هستند. نوشتار حاضر با عنایت به این مقدمه، در سه بخش سامان یافته است؛ "خوش خلقی و ملایمت"، "پرهیز از پرخاشگری و ناسزاگویی" و "آثار رفتار مسالمت‌آمیز اهل بیت علیهم‌السلام".

۱. خوش خلقی و ملایمت

خداوند در قرآن کریم، خطاب به پیامبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ^۱ پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرم‌خو شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن.

بنا به تصریح این آیه شریفه، نرم‌خویی و ملاحظت در رفتار و گفتار، از رحمت‌های الهی است و بی‌توجهی به آن، حتی می‌توانست عدم اقبال به رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در پی داشته باشد. امامان شیعه علیهم‌السلام به‌عنوان میراث‌داران واقعی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز به این آموزه قرآنی اهتمام ویژه‌ای داشتند. در سخنان این بزرگواران پیرامون خوش خلقی، خوشرویی، مهرورزی، ملاحظت و نگاه احترام‌آمیز نسبت به دیگران، به آثار مثبت این فضیلت اخلاقی همچون جلب محبت، هدایت‌پذیری بهتر، فراوان شدن دوستان و تحکیم وحدت در جامعه ایمانی، اشاره شده است.^۲ از جمله، در روایتی از امام علی علیه‌السلام آمده است: «الاستِصْلَاحُ لِلْأَعْدَاءِ بِحُسْنِ الْمَقَالِ وَ جَمِيلِ الْأَفْعَالِ أَهْوَنُ مِنْ مُلَاقَاتِهِمْ وَ مُعَالَاتِهِمْ بِمَضِيضِ الْقِتَالِ»^۳ اصلاح دشمنان با سخن نیک و کار نیک، از روبه‌رو شدن و جنگ انداختن با آنان - که با رنج مبارزه همراه است - آسان‌تر است».

آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید:

صَافِحِ عَدُوِّكَ وَ إِن كَرِهَ فَإِنَّهُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ عِبَادَهُ يَقُولُ: «انْفَعُ بِأَتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَ مَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»^۴ با دشمن - هر چند ناپسند دارد - دست بده؛ زیرا این کاری است که

۱. آل‌عمران: ۱۵۹.

۲. مثلاً ر.ک: عبدالواحد آمدی؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ح ۴۸۲۷، ۷۹۴۱، ۴۳۴۲، ۵۴۲۹.

۳. همان، ح ۱۹۲۶.

۴. فصلت: ۳۴ و ۳۵.

خداوند عزوجل به بندگانش فرمان داده و فرموده: «بدي را به بهترین شیوه دفع کن! آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می‌گردد و این خصلت را جز کسانی که شکیباً بوده‌اند، نمی‌یابند و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ، نخواهد یافت»^۱.

آن حضرت نرم‌خویی و بردباری را اساس سیاست^۲، بهترین خصلت^۳، کندکننده شمشیر مخالفت^۴، از بین برنده کینه‌ها^۵ و ویژگی خردمندان^۶ دانسته است و به کارگزاران حکومتی خود دستور می‌دهد که در تمسک به آن، کوشا باشند.^۷ البته مصداق بارز عاملی به این دستورها، خود حضرت بود؛ خوشرویی او به اندازه‌ای بود که دشمنانش به همین بهانه، از وی عیب‌جویی می‌کردند!

درباره رفتار نیکوی امام زین‌العابدین علیه السلام نیز، سفیان بن عیینه گفت و گوی خود با زهری، دانشمند معروف اهل سنت را چنین گزارش کرده است:

به زهری گفتم: آیا علی بن الحسین را دیده‌ای؟ گفت: آری، اما برتر از او را هرگز ندیده‌ام! او هیچ دوستی در خفا و هیچ دشمنی در ظاهر ندارد! پرسیدم: چگونه؟ گفت: هر آن که از دوستان او را دیده‌ام، دریافته‌ام که به سبب شدت معرفتی که به او دارند، بر او رشک (غبطه) می‌برند، و هر آن که از دشمنانش را مشاهده کرده‌ام، فهمیده‌ام که به دلیل ملایمت و مدارای فوق‌العاده‌اش، با او از در مدارا وارد می‌شوند.^۸

امام صادق علیه السلام نیز در دستور اخلاقی خود به «عنوان بصری»، حلم و بردباری در برابر مخالف را از ارکان اخلاق اسلامی و وظایف سالکان دانسته است و می‌فرماید:

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۷۱، ص ۴۲۱.

۲. عبدالواحد آمدی؛ پیشین؛ ج ۵۲۶۶.

۳. همان؛ ج ۳۲۲۳.

۴. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۲۰، ص ۳۱۷.

۵. عبدالواحد آمدی؛ پیشین؛ ج ۴۴۲۰.

۶. همان؛ ج ۶۱۱.

۷. مثلاً ر.ک: حسن بن محمد دیلمی؛ إرشاد القلوب إلی الصواب؛ ص ۳۲۱ و ۳۲۲. همچنین ر.ک: منشور حکومتی آن حضرت به مالک و دستور اکیدش به خوشرویی و برخورد نیک با اقسام شهروندان، در نامه ۵۳ نهج البلاغه.

۸. اسماعیل ملایری معزی؛ جامع احادیث الشیعه؛ ج ۲۰، ص ۸۲.

فَمَنْ قَالَ لَكَ إِنَّ قُلْتَ وَاحِدَةً سَمِعْتَ عَشْرًا فَقُلْ إِنَّ قُلْتَ عَشْرًا لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً وَمَنْ شَتَمَكَ فَقُلْ لَهُ إِنَّ كُنْتَ صَادِقًا فِيمَا تَقُولُ فَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَغْفِرَ لِي وَإِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَ لَكَ وَمَنْ وَعَدَكَ بِالْخَنَاءِ فَعِدْهُ بِالنَّصِيحَةِ وَالرَّعَاءِ: ^۱ هر کس به تو گوید که اگر یک سخن گویی، ده سخن بشنوی، در جوابش بگو که اگر ده سخن گویی، یکی نشنوی! و هر کس که دشنامت داد، بگو اگر سخن به راستی گفتم، از خدا می‌خواهم که مرا بیامرزد و اگر دروغ گفتم، از خدا می‌خواهم که ترا بیامرزد! و هر کس تو را تهدید کرد، پس به او وعده دلسوزی و حمایت بده.

آن حضرت همچنین از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند: «سه خصلت است که اگر در کسی جمع نشود، هیچ‌یک از اعمال او تمام نیست؛ ورع که او را از گناهان دور کند، اخلاق که با مردم به مدارا رفتار کند و حلم و شکیبایی که با آن، نادانی جاهلان را دفع کند».^۲

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نیز در سفارش به یکی از اصحاب خود می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَيْكُمْ بِالصَّوْمِ وَالصَّبْرِ وَالْحِلْمِ فَإِنَّهُ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ عَابِدًا حَتَّى يَكُونَ حَلِيمًا وَقَالَ لَا يَكُونُ عَاقِلًا حَتَّى يَكُونَ حَلِيمًا»^۳ تقوای الهی پیشه سازید و در خاموشی و صبر و حلم بکوشید. انسان تنها در صورتی عابد (یا عاقل) می‌گردد که حلیم باشد».

۲. پرهیز از پرخاشگری و ناسزاگویی

یکی از مهم‌ترین عوامل جلوگیری از درگیری و دشمنی در میان افراد، رعایت ادب و احترام در گفتار و رفتار با یکدیگر است. تردیدی نیست که گفتار یک فرد - هر چند قرین درستی و مبین واقعیت باشد - اگر با تعابیر گزنده و همراه با اسائه ادب و خشونت باشد، نه تنها مقبول نخواهد بود، بلکه موجب تیرگی روابط هم می‌شود و چه بسا که طرف مقابل را به بروز رفتار مشابه هم بکشاند.^۴ این نکته مهم رفتاری، در قرآن مجید، به مثابه یک اصل محکم اخلاقی، این‌گونه بیان شده است؛ «وَقُلْ لِعِبَادِي

۱. حسین نوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۱، ص ۲۹۰.

۲. حسین نوری؛ وسائل الشیعه و مستدرکها؛ ج ، ص ۴۰۴، ح ۹.

۳. همان؛ ج ۱۸، ص ۱۵.

۴. تجربه ثابت کرده است که از درشتی و خشونت، خشونت زاده می‌شود؛ درست همان‌گونه که از محبت، محبت برمی‌خیزد: «از مکافات عمل غامل مشو/ گندم از گندم بروید، جو ز جو».

يَقُولُوا الَّتِي هِيَ اَحْسَنُ اِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ اِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْاِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا^۱ به بندگانم بگو به نیکوترین شیوه سخن بگویند. شیطان در دل‌های‌شان وسوسه می‌کند و او از آغاز، دشمن آشکار انسان بوده است (و موجب نزاع و دشمنی می‌شود).^۱ قرآن مجید حتی مؤمنان را در مواجهه با زشت‌ترین و جاهلان‌ترین اعمال، یعنی بت‌پرستی و شرک، از سب و ناسزا گفتن بازداشته است و به پیامدهای زیانبار بی‌توجهی به آن نیز اشاره می‌کند؛

وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَيَسُبُّوا اللّٰهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذٰلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ اُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ اِلٰى رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ^۲ و به آنانی که کس دیگری را به جای خدای یکتا می‌خوانند، دشنام ندهید؛ زیرا آنان نیز خداوند را از روی ستم و دشمنی و بی‌دانشی دشنام گویند. این‌گونه برای گروهی کردارشان را آراستیم، سپس بازگشت‌شان به سوی پروردگار است.

مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر این آیه می‌فرماید: این آیه یکی از آداب دینی را خاطر نشان می‌سازد که با رعایت آن، احترام به مقدسات محفوظ می‌ماند؛ چراکه اگر به مقدسات دیگری تجاوز شود، وی نیز به مقابله برخیزد و چه بسا شدت خشم، او را به فحش و ناسزای به مقدسات و ادار سازد.^۳

امامان معصوم علیهم السلام همواره تلاش می‌کردند در برخورد هدایت‌گرایانه با دیگران، حتی آنانی که آشکارا با اسلام دشمنی می‌ورزیدند، از پرخاشگری و ناسزاگویی بپرهیزند و اصحاب خود را نیز از هرگونه خشونت در گفتار؛ چه رسد به سب و لعن - که طبعاً موجب شعله‌ور شدن تنازعات و تعصبات مذهبی می‌شد - برحذر دارند. می‌دانیم که سرسخت‌ترین دشمنان امام علی علیه السلام که در ایام خلافت وی در لشکر شام اجتماع کرده بودند، در مخالفت با حاکمیت اسلامی و تکفیر مسلمانان پافشاری می‌کردند و در نهایت، آن حضرت نیز با آنان هیچ‌گونه مماشاتی را روا ندانست؛ با این حال گزارش شده است که چون اصحاب امام علیه السلام به لعن همین گروه پرداختند، حضرت آنان را از این کار بازداشت و در پاسخ به اعتراض آن‌ها فرمود:

۱. اسراء: ۵۳.

۲. انعام: ۱۰۸.

۳. سید محمدحسین طباطبایی؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی؛ ج ۷،

درست است که شما بر حق هستید، اما من ناپسند دارم که اهل نفرین و دشنام باشید و نمی‌پسندم آنان را دشنام دهید و از آنان بیزاری جویند. ای کاش به‌جای این کار، بدی‌های اعمال‌شان را توصیف می‌کردید و می‌گفتید: منش آنان چنین و چنان است و عمل‌شان چنین و چنان است. این‌گونه گفتار، به درستی نزدیک‌تر و در عذرتان پذیرفته‌تر است! و اگر به‌جای نفرین و بیزاری جستن از آنان، بگویید: «بار خدایا! خون‌های ما و آن‌ها را از ریختن نگه دار و میان ما و ایشان آشتی انداز و آن‌ها را راهنمایی کن تا هر که حق را نمی‌شناسند، بشناسد و هر که بر گمراهی و دشمنی پای می‌فشارد، از آن باز ایستد»، این کارتان نزد من محبوب‌تر و برای شما بهتر است.^۱

در اینجا امام نه تنها دشنام دادن، بلکه لعن به دشمنان شامی را نیز نمی‌پسندد. این رویکرد بی‌مانند اخلاقی نشان می‌دهد که یکی از اصول مهم مکتب هدایتی اهل بیت، برخورد هدایتگرانه - با هدف تأثیرگذاری مثبت؛ و نه با نیت تشفی خاطر و مقابله‌به‌مثل - و پرهیز از دشمنی و مخاصمه است. عصاره این آموزه را می‌توان در وصیت امام علی علیه السلام به محمد بن حنفیه یافت؛ آنجا که می‌فرماید:

به همه مردمان نیکی کن؛ همان‌طور که دوست داری به تو نیکی کنند. برای آنان آنچه را بپسند که برای خود می‌پسندی و نیز آنچه را برای خود زشت می‌شماری، برای آنان زشت بدار! خوی خویش با مردم نیکوکن؛ چندان‌که هرگاه از نظر آنان غایب شوی، دل‌شان برایت تنگ گردد و چون بمیری، بر تو بگیرند و بگویند: انالله و انا الیه راجعون! و از آنانی مباش که مردم هنگام مرگ‌شان بگویند: الحمد لله رب العالمین! بدان که پس از ایمان به خداوند، اساس و رأس عقل، مدارای با مردم است. با مردمی که از معاشرت با آنان چاره‌ای نداری، نیک همنشینی کن تا مگر خداوند رهایی از آنان را به تو عطا کند. حالاتی که مردم باید به هنگام معاشرت و همنشینی با دیگران داشته باشند، بر سه گونه است؛ در دو حالت، باید به آنان نیکی کنند و در حالت دیگر نیز خود را به غفلت بزنند.^۲

بر اساس این رهنمودهای صریح و روشن، تردیدی نمی‌ماند که احادیث مخالف و متشابه و... را - که صحابه مورد احترام مسلمانان، در آن زیر سؤال رفته‌اند - باید با

۱. نصر بن مزاحم مقرئ؛ وقعة صفین؛ ص ۱۰۳؛ اسماعیل ملایری معزی؛ پیشین؛ ج ۶، ص ۳۶ و ۳۷.

۲. حسین نوری؛ وسائل الشیعه و مستدرکها؛ ج ۸، ص ۵۳۹، ح ۸.

دیده تردید و تأمل نگریست و سیره و سخن همیشگی اهل بیت در این زمینه را از یاد نبرد. از جمله همین سخنان است، این گفتار زیبای امام علی علیه السلام که می‌فرماید: «از نشانه‌های مردم باتقوا، این است که از دشنام دوری می‌کنند و گفتاری نرم دارند».^۱ در نگاه آن بزرگوار، گفتار ملایم، عبادت^۲ و هرزه‌گویی، مرگ‌آور است^۳ و هرکس که می‌خواهد پاسخ زیبا بشنود، باید زیبا سخن گوید.^۴

در مذمت هرزه‌گویی و بدزبانی، روایات فراوانی از دیگر معصومان نیز رسیده است و نشان می‌دهد که این بزرگواران، سب و ناسزاگویی به مخالفان دین را نیز روا نمی‌دانسته‌اند.^۵ در جلد شانزدهم کتاب «جامع احادیث الشیعه»، بابی با عنوان «تحریم سب و فحش و بی‌مبالاتی در سخن» باز شده و در آن، ده‌ها حدیث از پیامبر و امامان شیعه، در نهي و مذمت این رذیله اخلاقی گزارش شده است.^۶ به‌عنوان نمونه از حضرت باقرالعلوم علیه السلام نقل شده است که در تفسیر آیه «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» می‌فرماید:

قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يَقَالَ لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ اللَّعَانَ السَّبَّابَ الطَّعَانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ وَيُحِبُّ الْحَيَّيَّةَ الْحَلِيمَةَ الْعَفِيفَةَ الْمُتَعَفِّفَ:^۷ با مردم بهتر از آن‌گونه که دوست دارید با شما سخن بگویند، سخن بگویید؛ چراکه خداوند کسی را که اهل لعنت، نفرین و طعنه به مؤمنان و ناسزاگویی باشد و همچنین گدای سمج را دشمن می‌دارد و کسانی را که اهل حلم، نرم‌خویی و عفت هستند، دوست دارد.

بسیاری از کشمکش‌های شدید فرقه‌ای و تحریک عواطف و احساسات مذهبی که تفرقه و اختلاف در جوامع دینی را در پی دارد، زائیده بی‌توجهی گروه‌های مختلف به باورها و مقدسات یکدیگر و بی‌احترامی نسبت به آن‌ها است. باید توجه داشت که

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۹۳ (خطبه همام).

۲. عبدالواحد آمدی؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ج ۲، ص ۴۹۷.

۳. همان؛ ج ۲، ص ۳۳۲.

۴. همان؛ ج ۲، ص ۲۶۶.

۵. اسماعیل ملایری معزی؛ پیشین؛ ج ۲۰، ص ۳۶ و ۳۷.

۶. همان؛ ج ۱۶، صص ۵۵۹ - ۵۷۲. بنا بر گزارشی، امام صادق علیه السلام حتی یکی از اصحاب خود را به سبب گفتن یک فحش، به شدت سرزنش و با وی قطع رابطه می‌کند (همان؛ ص ۵۷۱).

۷. ابی نصر عیاشی؛ تفسیر عیاشی؛ ج ۱، ص ۴۸؛ محمدباقر مجلسی؛ پیشین؛ ج ۶۸، ص ۱۵۲.

حتی در قبال برخی از باورها که بدون هیچ پایه و اساسی، جنبه احترام‌آمیز به خود گرفته و احتمالاً به‌عنوان عقاید دینی هم مطرح می‌شوند، لازم است برخوردی خردمندانه و به‌دور از بی‌حرمتی داشت. عقل و تجربه می‌گوید که توهین و تمسخر و برخوردهای تحقیرآمیز نسبت به هر عقیده‌ای - هر قدر هم که بی‌پایه و اساس باشد - نتیجه معکوس دارد و به اختلافات دامن می‌زند. نگاهی به تاریخ اهل‌بیت نشان می‌دهد که دشمنان این بزرگواران، حربه‌های فراوانی برای تحریک احساسات مذهبی مخالفان به‌کار بسته‌اند تا با بهانه‌های عوام‌پسندانه، از هزینه مخالفت خود با خاندان پیامبر ﷺ بکاهند و سختگیری بر آنان را مشروع جلوه دهند.^۱ اما منطق قوی اهل‌بیت، در کنار صبوری و حُسن رفتار و اخلاق آنان، نقشه‌های دشمنان را پیوسته نقش بر آب می‌کرده است. متأسفانه دشمنان اسلام هیچ‌گاه از تلاش برای ایجاد تفرقه در جوامع اسلامی دست برنداشته‌اند و هنوز هم راه مقابله مؤثر با این دشمنی‌ها حفظ وحدت، در سایه پرهیز از رفتارهای متعصبانه و توهین‌آمیز نسبت به عقاید فرقی مختلف است.

۲. آثار رفتار مسالمت‌آمیز اهل‌بیت علیهم‌السلام

مدارا و خوش‌رفتاری با مخالفان مذهبی در کلام معصومان علیهم‌السلام، زینت و آرایش رفتاری و کرداری شیعه دانسته شده و به‌علاوه، از عوامل مهم گرایش به مکتب اهل‌بیت نیز شمرده شده است. امام صادق علیهم‌السلام به اصحاب خود می‌فرماید: «كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ وَ لَا تَبْغِضُونَا إِلَيْهِمْ فَجُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ شَرٍّ»^۲ مایه زینت ما باشید و نه رسوایی ما! کاری کنید که مردم ما را دوست بدانند، نه اینکه دشمن ما شوند. همه دوستی‌ها را به سوی ما بکشانید و دشمنی‌ها را از ما بپراکنید».

در روایتی دیگر نیز آمده است: «عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ وَ كُونُوا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا»^۳ به تقوا و پارسایی و

۱. از جمله معاویه در نامه‌هایش به امام علی علیهم‌السلام تلاش کرده است تا با برشمردن فضائل بسیار برای شیخین، امام را وادار به موضع‌گیری و خرده‌گیری بر آن‌ها کند و آن‌گاه آن حضرت را در مقابل هواداران عمر و ابوبکر قرار دهد.

۲. حسین نوری؛ وسائل الشیعه و مستدرکها، ج ۸، ص ۴۰۰.

۳. همان، ص ۴۰۱. برای مطالعه روایات بیشتر در این باره بنگرید: اسماعیل ملایری معزی؛ پیشین، ج ۱۸، صص ۱۱ - ۲۶.

کوشش و راستگویی و امانتداری و خوش خلقی و برخورد نیک با همسایگان پای‌بند باشید و مایهٔ زینت ما باشید و نه خواری و رسوایی ما».

بردباری و خوشرویی در مواجهه با مخالفان - به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین تعالیم اخلاقی اسلام - نه تنها در کلام امامان معصوم جایگاه ویژه‌ای دارد، بلکه در سیره عملی آنان نیز فراوان جلوه‌گر شده است و این بزرگواران با وجود همه نامهربانی‌هایی که در حق‌شان روا داشته می‌شد، هیچ‌گاه عنان صبر و گذشت را از کف نداده و همواره بر اساس مجادلهٔ احسن و با سعه صدر با جاهلان و معاندان رفتار کرده‌اند. یکی از زیباترین و آموزنده‌ترین این رفتارهای کریمانه چنین است:

آورده‌اند مردی از اهالی شام که تحت تأثیر تبلیغات معاویه قرار گرفته بود، به مدینه آمد و با امام حسن مجتبی علیه السلام برخورد کرد و تا آنجا که توانست به آن حضرت ناسزا گفت. هنگامی که ساکت شد، امام رو به او کرد و پس از سلام و تبسم فرمود: ای مرد! گمان می‌کنم که در شهر ما غریبی و درباره ما به اشتباه افتاده‌ای! حال هر نیاز و حاجتی که در اینجا داری، برایت برآورده می‌کنیم؛ از خوراک و پوشاک گرفته، تا جا و مکان. پس، تا وقتی که در این شهر هستی، مهمان ما باش! آن مرد وقتی چنین رفتار بزرگوارانه‌ای از امام مشاهده کرد، با شرمندگی گفت: گواهی می‌دهم که تو شایستهٔ امانتی و خدا آگاه است که جانشینی‌اش را در کجا قرار دهد. تا این ساعت، تو و پدرت نزد من از همه مبغوض‌تر بودید و اینک کسی نزد من از شما محبوب‌تر نیست.^۱

در یک واقعه دیگر نیز هنگامی که یکی از افراد غافل به امام سجاد علیه السلام بی‌ادبی و اهانت کرد، امام بعد از فرونشستن خشم آن فرد، به منزلش رفت و فرمود: «آنچه خواستی به من گفتی؛ پس، اگر آنچه گفتی در من هست، از خداوند برای خود آمرزش می‌خواهم و اگر آنچه گفتی نادرست است، از خداوند برای تو آمرزش می‌خواهم». مرد از کرده خود پشیمان شد و گفت: «به‌راستی که آنچه به تو گفتم، لایق خودم بود».^۲

۱. محمدباقر مجلسی؛ پیشین؛ ج ۴۳، ص ۳۴۴.

۲. حسن بن محمد دیلمی؛ *إرشاد القلوب إلى الصواب*؛ ج ۲، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

فهرست منابع

۱. ابن ابى الحديد، عبد الحميد بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغه؛ تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم؛ بيروت: دار احياء العربى، ۱۳۸۵ ق.
۲. آمدى، عبد الواحد؛ غرر الحكم و درر الكلم؛ مجموعه كلمات قصار امام على عليه السلام؛ تصحيح حسين اعلمى؛ بيروت: مؤسسه الاعلمى، ۱۴۰۷ ق.
۳. حرانى، ابن شعبة؛ تحف العقول؛ تصحيح على اكبر غفارى؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۰۴ ق.
۴. ديلمى، حسن بن محمد؛ إرشاد القلوب إلى الصواب؛ قم: الشريف الرضى، ۱۴۱۲ ق.
۵. طباطبايى، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن؛ ترجمه سيد محمدباقر موسوى همدانى؛ قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، [بى تا].
۶. عياشى، ابى نصر محمد بن مسعود؛ تفسير العياشى؛ تصحيح هاشم رسولى محلاتى؛ تهران: مكتبة العلمية الاسلامية، ۱۳۶۳.
۷. قمى، على بن ابراهيم؛ تفسير القمى؛ تصحيح سيد طيب موسوى جزايرى؛ نجف: منشورات مكتبه الهدى، ۱۲۸۷ ق.
۸. كلينى، محمد بن يعقوب؛ الاصول الكافى؛ تصحيح و تعليق على اكبر غفارى؛ بيروت: دار صعب، ۱۴۰۱ ق.
۹. مجلسى، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ تهران: انتشارات اسلاميه، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
۱۰. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان؛ الاختصاص؛ با مقدمه سيد حسن خراسان؛ قم: مكتبة بصيرتى، ۱۳۷۹ ق.
۱۱. _____؛ الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد؛ ترجمه سيد هشام محلاتى؛ چاپ ششم؛ تهران: نشر فرهنگ اسلامى، ۱۳۸۳.
۱۲. ملايرى معزى، اسماعيل؛ جامع احاديث الشيعة؛ به اشراف آقاحسين طباطبايى بروجردى؛ [بى جا] [بى تا] ۱۴۱۴.
۱۳. منقرى، نصر بن مزاحم؛ وقعه صفين؛ تصحيح حمد عبدالسلام هارون؛ قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. نورى، حسين؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ بيروت: مؤسسة آل البيت، ۱۳۶۷.
۱۵. _____؛ وسائل الشيعة و مستدرکها؛ چاپ اول؛ قم: نشر اسلامى، ۱۴۲۸ ق.